تحریف ناپذیری قرآن و رابطه آن با حروف مقطعه و تدوین تکوین

شاگرد: فرمودید ما در مقابل عامه که میگویند شیعه قائل به تحریف است... .

استاد: این هم یکی دیگر است. آقا مقاله آن را هم نوشته اند. تعدد قرائات مهمترین عامل برای صیانت قرآن از تحریف. یعنی شما کل فصل الخطاب مرحوم نوری را ببینید. مبنای این کتاب این است که واحد است. این مبناء را عوض کنید، کل این کتاب روی هوا میرود. یعنی تمام ادله ایشان سر جایش است و لازمه اش هم تحریف نیست.

شاگرد: دیگر لازم نیست که بگوییم شما قائل به تحریف هستید.

استاد: اصلاً ما با قائل به تحریف چه کار داریم. اصلاً نباید اینطور حرف بزنیم. من همین را میگویم.

این هم در این مقاله هست که قرآن کریم تحریف ناپذیر است. چرا؟ چون ریختش ریخت حروف مقطعه است.«أُحْكِمَتْ آياتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ[1]». اگر ما جوهر قرآن را فهمیدیم یعنی ریخت آن طوری است که نمیتوان آن را تحریف کرد. میشود یک جای آن را اشتباه نوشت. اما این اشتباه نوشتن است نه تحریف. مثالهای آن را هم عرض کردم. قبلاً هم توضیح دادم. جالب این است که شما میتوانید در مصاحف مختلف، سبعة احرف را با معانی مختلفی که دارد پیاده کنید. مثالی بزنم شما ببینید. جدول ضرب یک نظم ریاضی دارد که بچه و بزرگ آن را یاد میگیرند. اگر شما یک جدولی بیاورید که از یک تا ده است، فوری بچه‌ها هم میفهمند. حالا میخواهید یک جدول ضربی بیاورید که ردیف آن از سیصد و پنجاه دو تا ششصد و دو باشد، این ستون آن هم از دویست پنجاه و دو تا دویست هفتاد و پنج باشد. میتوانید این جدول ضرب را تنظیم کنید؟ سریع تنظیم میکنید. برای اینکه بلد هستید. اما کسی که نگاه کند چیز عادی نیست. اگر شما جدول ضرب را بلد باشید میبینید که جدول ضرب تحریف ناپذیر است. میتوانید اشتباه کنید و روی جدولش یک چیزی بنویسید، اما بعد فوری میگویید این آن نیست. جدول ضرب را که نمیشود تحریف کرد. چرا؟ چون برای خودش نظم دارد. «یستخرج القرآن». این حرف ابوفاخته که از اصحاب خاص امیرالمؤمنین است خیلی بلند است. میگوید قرآن طوری است که کل آن را میتوان از حروف مقطعه بیرون کشید. و لذا است که شما میگویید تمام سبعة احرف از حروف مقطعه در میآید. ائمه هم فرمودند.

مصحف حضرت صدیقه سلام الله علیها؛ حضرت چه فرمودند؟ «ما من قرآنکم فیه شیء». از این قرآنی که مانوس شما است در آن چیزی نیست. در کتاب مجلسی اول هست. فرمودند این جور که از مشایخ ما نقل شده تمام مصحف حضرت صدیقه سلام الله علیه بالحروف المقطعه است. یعنی

اگر ام مصحف حضرت را ببینیم سر در نمیآوریم. خیلی جالب است. مرحوم مجلسی میگویند. مصحف حضرت صدیقه به حروف مقطعه است. من اینها را آوردهام. در فدکیه موجود است.

پس تا جوهره قرآن را نفهمیم؛ نعوذ باللّه آن رمانی را که عرض کردم میتوانیم برای کافر بگوییم؛ اگر کافر فهیم باشد میبیند که در این رمان حکمت و نظم است. در این رمان سفاهت نیست. این رمان حرف میزند. دارد مطالب را درست و متین ادا میکند. ما میتوانیم با صبغه برون دینی علوم قرآنی را مطرح کنیم. با شرطی که به بیانات خود ثقلین توجه کنیم که میگویند قرآن چیست. اما سهمی که روایت ابوفاخته در تفاسیر ما دارد این است که میگویند ابوفاخته گفته «هن ام الکتاب یری علیه». قبلاً اینها را عرض کردم. سهم ابوفاخته فقط «یری علیه» میشود.

امروز میخواستم از زرکشی بگویم اما وقت گذشت. در این دو هفته حتماً روی این تأمل کنید. مبادی مهم و محورهای مهم در بیانات ثقلین برای اینکه تعریف اینکه قرآن چیست؟ روی اینها چشم نبندیم. مثلاً به نظرم ثعلبی یک عبارت کوتاه آورده است. شما ببینید که حضرت امیرالمؤمنین چقدر مطلب در این گذاشتهاند.«لکل کتاب صفوة»، صفوه یعنی خالص و خالصه. «و صفوة هذا الکتاب حروف التهجی[2]». به نظرم مرحوم طبرسی آن را آوردهاند. چیست که حضرت آن را در این روایت نگذارند؟! اما ما در میشویم و میرویم. وقتی در میشویم که تقصیر آنها نیست. شما میگویید چرا بیشتر توضیح ندادند؟!

---

[1]هوه ۱

[2]تفسير الصافي، ج1، ص: 91؛ و في المجمع عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي.

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 14:59:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:07:17 توسط ... .